

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - ۱۵ می ۲۰۱۱

درد دلی با شاعران گرامی پورتال

و

شائقان کلام موزون و آهنگین

با مطالعه یادداشت شاعر عزیز القدر افغان و همکار گرامی پورتال، جناب تیمورشاه تیموری که در ذیل غزل زیبایی خود معنون به "سراب زندگانی" - صفحه مؤرخ امروز ۱۵ می ۲۰۱۱ - آورده اند، بر آن شدم که با شاعران عالیجاه پورتال درد دلی دوستانه و صمیمانه کنم. بدو باید بگویم که مدیون ذره نوازیهای جناب تیموری میباشم که این کمترین را با کلمات نوازشگر نواخته اند. نیز باید بگویم که من کمین یکی از مسؤولان صفحه "ادبی - فرهنگی" پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" میباشم که به تنظیم و ترتیب و عرضه مطالب این صفحه المام دارند. از همین رو این ذره نوازیها را - ولو ظاهراً مخاطب همان یک نفر است - شامل حال تمام دوستان منمک این صفحه میدانم و از طرف همه وظیفه دارم، تا مراتب سپاس ایشان را خدمت محترم تیموری صاحب تقدیم نمایم. موجب رضایت و خشنودی کامل ماست که آن جناب اهداف نشراتی پورتال را از صمیم دل ستوده، از جنبه های روشنگرانه و خرافات زداینده آن حمایت فرموده و همکاری خود را با اطمینان تمام با پورتال خودشان دوام میدهند.

شعر و کلام آهنگین و موزون در هر زبانی جایگاه خاص دارد و از قدیم و ندیم با گوشهای اهل زبان آشنایند. در سرزمین مبارک ما افغانستان نیز تا جایی که حافظه تاریخ قد میدهد، بر اشعار و کلام موزون ارج گزارده شده است. شعر از "للو گوئی" مادران در گوش نوزاد چکانده میشود و تا انسان زنده است از آن جدائی ندارد. شاعری نامور فرمود که "مهر وطن" با شیر اندرون وجودش گردیده و تا مرگ وی را همراهی خواهد کرد. من مصداق این فرموده را در وجود و کیان "شعر و کلام با آهنگ" نیز مشاهده میکنم، درین مختصر مگر پرداختن به تفصیل موضوع را ضروری نمیدانم. همینقدر میگویم که شعر در هر مرحله از حیات مردم ما با ایشان است، بوده است و خواهد بود. در خاک پاک ما افغانستان، کلام موزون و با آهنگ را حتی بحیث حجت و برهان قاطع بر زبان میرانند؛ هم در بین اشخاص تعلیم یافته و باسواد و هم حتی در اقشاری که با سواد و لفظ قلم کوچکتترین رابطه ای نداشته اند. ضرب المثلهای که جزء لاینفک رسوم و آداب راسخ مردم جهان اند، نه تنها بخاطری مهم و باارزش اند که معنائی بس عظیم را در ظرفی کوچک میگنجانند و باصطلاح خداوندگار بلخ، حضرت مولانای رومی، بحر را در کوزه ای میریزند، بلکه بخاطری هم مورد عنایت مردم اند، که موزون اند و با آهنگ اداء میشوند!!!

ضمن این معروضه کوتاه اما نه شعراء و گویندگان کلام موزون بطور عام مد نظر من میباشند و نه شائقان و به اصطلاح مدرن "علاقه مندان" این کلام بصورت کل. در پیمای که درین مقاله القاء میگردد، هم طیف خاصی از شعراء و هم گروه خاصی از علاقه مندان این فن لطیف مورد مخاطبت من قرار دارند. مورد مخاطب من

شعراى گرانقدرى قرار دارند كه با پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" همكارى ميكنند و چكيده هاى كلام گهربار شان صفحات اين پورتال بى همال را پيوسته رونق ميبخشند.

و كس نگويد كه خوانندگان به دنبال شعر نيستند و صفحات پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را بخاطر مقالات سياسى و علمى و تاريخى و حقوق بشر و ايدئولوژيك و غير آن ميخوانند. برداشت من از موضوع كاملاً متفاوت است. به برداشت من - چنان كه در بالا بدان اشاره كردم - بسا كسان پورتال را بخاطر اشعار ناب آن باز ميكنند و اگر صفحه ادبى - فرهنگى پورتال نميبود و روزه اشعار گرانبار شعراى گرانمايه ما در آن نشر نميگشت، از تعداد خوانندگان پورتال به اندازه معتنايهي كاسته ميشد. واقعيت مگر اين هم هست، كه هر چيزى بجايش نيكوست، آن رقمى كه عارف بزرگ حضرت "سعدالدين محمود شيبستري" از شعراى نامدار قرن هفتم - هشتم هجرى قمرى - عهد مغول و خصوصاً دوران اولجايى و ابوسعيد - و سرابنده "گلشن راز" فرمود:

جهان چون خط و خال و چشم و ابروست

كه هر چيزى بجاي خویش نيكوست

به هر صورت بايد قبول كرد، كه صفحات شعراى پورتال هم جزء لايتجزاى آنند و خوانندگان و شائقان بى شمار را به خود جلب ميكنند. خوشبختانه كه پورتال همان قسمى كه در عرصه سياسى و تاريخى و علمى و عرصه هاى گوناگون ديگر پيشقدم و پيشتاز است و طوري كه ميبينيم هيچ سايت انترنتى ديگر از هيچ نگاه خود را بدان برابر و همسر ساخته نميتواند، آهسته آهسته ميرود كه پورتال هيت مجمع و انجمن شعراء را بخود بگيرد. تاكنون چهار شاعر دلباخته كلام نغز داشتيم كه حضور روزمره ايشان در پورتال محسوس است و من ايشان را ضمن منظومه اى "چار يار باصفا" ناميدم. از بخت نكو كه شاعر عاليقدر و دلسوز ديگرى نيز درين زمرة قد برافراشته و "چار يار باصفا" را به "پنج تن پاك" تبديل نموده است. اين شاعر بلندپايه اى كه روزمره در پهلوى "چار يار باوفاى قديم" هنرنمايى ميكند، جناب "تيمورشاه تيمورى"، شاعرى با ذوق سليم و قريحه اى عالى و احساس پاك مردموستى و وطنخواهى ميباشد. مثنوى كم مانند "طفل افغان" ايشان كه صفحه مؤرخ ۱۳ مى ۲۰۱۱ پورتال را رونق بخشیده است، نمونه ايست از احساس پاك ايشان به وطن و مردم نجيب و دوست داشتنى آن و بالخصوص آيندگان آينده ساز افغانستان؛ آيندگان آينده سازى كه ان شاء الله به عين صورت نجيب و وطنخواه و خادم مردم و وطن بار خواهند آمد.

البته در پهلوى اين شعراى گرانقدر كه شاهد حضور روزمره ايشان در پورتال ميباشيم، تعداد شعراى عزيز ديگر درى و پشتو نيز با پورتال همكارى دوامدار دارند و شمار شعراى پورتال را از سرحد ۲۰ (بيست) بالاتر ميبرند. طوري كه گفتم خوشبختانه ديده ميشود كه پورتال از نگاه "ادبى - فرهنگى" خود نيز رفته رفته به "مجمع و انجمن شعراى افغان" مبدل ميگردد.

حالا اگر از كليات گذشته و به نكات مشخص مد نظر بپردازيم:

درين معروضه نكاتى را پيش ميكشم كه بحيثى يكي از مسؤولان بخش "ادبى - فرهنگى" پورتال، روزمره با آنها سر و كار دارم. موضوع بر سر تنظيم و رجه بندى اشعار است كه در پهلوى پيرايش و تصحيح املايى، وقت انبوه و لحظات بى شمار مسؤولان اين بخش را مصروف خود ميدارد.

در مثنويى بس جالب و پرمعنائى كه از طبع شاعر دلسوز وطن جناب "تيمورشاه تيمورى" تراويده و زير عنوان "طفل افغان" صفحه مؤرخ ۱۳ مى ۲۰۱۱ پورتال را آراسته است، يادداشت صفحه "ادبى - فرهنگى" پورتال را چنين ميخوانيم:

» ۱۳ مى ۲۰۱۱

يادداشت پورتال:

چنان كه به شاعران گرانقدر همكار پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" (AA-AA) معلوم گرديده است، اشعار و پارچه هاى منظوم ارسالي اين عزيزان علاوه بر پيرايش املايى - كه بدون استثناء شامل حال تمام مطالب منتشره در پورتال ميباشد - بعد از "تنظيم و رجه كردن" ابیات و مصاريع، به وجهى شايسته در صفحه ما نشر ميشوند. و اين كاريست فقط و فقط منحصر به پورتال AA-AA، چون اشعار و مطالب منظوم و منثور در هيچ صفحه ديگر انترنتى - نه افغانى و نه ايرانى - با اين سلبقه و دقت نشر نميگردند!!!!

پارچه شعر معنون به "طفل افغان" با محتوای فوق العاده عالی اجتماعی آن حدوداً دو هفته پيش به پورتال

رسیده بود. چون این مثنوی زیبا و پرمفهوم، متشکل از ۳۶ (سی و شش) بیت میباشد و کار رجه کردن و تنظیم آن واقعاً وقتگیر بوده است، نسبت تراکم کارها نتوانستیم آن را زودتر عرضه نمائیم. بدین لحاظ از همکار عالیقدر خود، شاعر دلسوز و باادب افغان، جناب "تیمورشاه تیموری"، پوزش می‌خواهیم که این شعر ارجمند شان را با تأخیر دو هفته ئی نشر میکنیم....»

سخن این یادداشت ظاهراً اندک مبهم به نظر میرسد و یقیناً نزد کسانی که به سافت ویر و "علم استفاده از کمپیوتر" سر و کار دارند، حتماً سؤالی خلق خواهد گردید که موضوع "تنظیم و رجه کردن" را خود کمپیوتر حل کرده است و با استفاده از فنون لازم هزاران گره با یک کلیک کثوده میشود. من این فرموده را قبول ندارم و برای روشن شدن موضوع فقط یک نکته را پیش کشیده و بر مبنای آن استدلال خود را رونق میبخشم. من میگویم که :

« کمپیوتر هوشیار و عقلمند نیست و نمیتواند بمانند مغز آدمی خوب را از بد و صحیح را از سقیم تفریق کند. کمپیوتر فقط چیزی را که بحیث خوراک برایش داده ایم، نشخوار میکند و قادر نیست که خود به تمییز موضوعات نامعلوم و ناآشنا پردازد، چنان که عقل و مغز سنجنده و هوشمند بشر قادر بدان است....»

اگر موضوع را بر روی تنظیم و رجه بندی اشعار موزون و مقفی شرح بدهیم:

چنان که میدانیم هجاهای خرد و کلان یا کوتاه و دراز و ساخت تلفظی کلمات مورد استعمال، وزن عروضی یک شعر را مشخص میسازند. این را مگر هم نیک میدانیم که کلمات با عین هجا از مجموعه هائی با عین طول کتبی کلمه ساخته نشده اند. هجاهای مختلف وقتی در قالب تحریر درمی آیند و خصوصاً کسوت زبان دری و فارسی را با رسم الخط عربی آنها به تن میکنند، تحت یک قانونمندی ثابت آمده نمیتوانند. و این طور نیست، که هجاهای مساوی در شعر در هنگام تحریر، عین جای را بستانند. فکر کنم که شرح این سخنان بیشتر به معما و لغز و چیستان شباهت پیدا کرده است و بهتر است که موضوع را با آوردن مثالهای عملی روشن بسازم.

چند مثال از دیوان حضرت حافظ شیرازی می آورم که هم خرما باشد و هم ثواب. حضرت حافظ فرماید:

مثال اول:

بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است

بیار باده که بنیاد عمر برباد است

مثال دوم:

بر سر تربیت ما چون گذری همت دار

که زیارتگه رندان جهان خواهد بود

مثال سوم:

رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار

دستم اندر دامن ساقی سیمین ساق بود

مثال چهارم:

حلاوتی که ترا در چه زرخدانست

به کنه آن نرسد صد هزار فکر عمیق

مثال پنجم:

چه آسان مینمود اول غم دریا به بوی سود

غلط کردم که این طوفان به صد گوهر نمی ارزد

چنان که پنج مثال از غزلیات خواجه شیراز نشان میدهند، در تمام اشعار عروضی - بدون استثناء - وزن هردو مصراع در هر بیت دوگان دوگان باهم مساوی است. یعنی اگر بتوان مصراعهای هر بیت را به تول و ترازو

کشید، هر دو مصراع هر بیت باهم هموزن اند و به اندازه یک مثقال و یک قیراط و حتی یک مایکروگرام (یک ملیونم گرام) هم از هم ته و بالا نیستند. همین مصراعهای هموزن مگر در هنگام نوشتن، عین مکان را نمیگیرند، بلکه یک مصراع از دیگرش یا درازتر نوشته میشود یا کوتاهتر. این که عیب در کجاست و آیا باید رسم الخط عربی زبان دری و فارسی را مجرم و مقصر بکشیم، سؤال را لاجواب میگذارم. برای ما مهم مگر نتیجه است و نتیجه چیز است که هر لحظه با آن سر و کار داریم. نتیجه اینست که به مشکل دو مصراع عین بیت را سراغ داریم که در هنگام تحریر عین درازا را داشته باشند. حال وقتی مشکل را دریافتیم، باید بپرسیم که راه حل چیست؟؟؟ راه حل درینست که :

– یا کلمات مصراعها را بحال خودشان بگذاریم و راضی شویم که یک مصراع از دیگرش درازتر یا کوتاهتر نوشته شود، چنان که در مثالهای پنجگانه مشاهده میکنیم. تمام سایتهای دیگر انترنتی از همین شیوه بی رونق کار میگیرند و اشعاری را که حتی حکم پلو و چلو و قابلی و منتجن را دارند، در "تیکر شکسته" عرضه میدارند. خط پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" مگر با تمام ایشان جداست!!!!!!!

– یا این که به فکر "رجه کردن" مصراعها بیفتیم و آن دو حالت دارد:

– یا این که این کار را به عهده کامپیوتر – کامپیوتر بی عقل و لایعقل – بگذاریم و بگذاریم که هر طوری که دل تنگ سافت ویر بخواد همان را عملی سازد. اگر مثال پنجم را مدار قرار بدهیم، در آن صورت مثلاً نتیجه "رجه بازی" کامپیوتر را چنین خواهیم داشت:

چه آسان مینمود اول غم دریا به بوی سود
غلط کردم که این طوفان به صد گوهر نمی ارزد
یا
چه آسان مینمود اول غم دریا به بوی سود
غلط کردم که این طوفان به صد گوهر نمی ارزد

و اشکال بی رونق دیگر.

خواننده ارجمند متوجه میگردد که کامپیوتر "بی عقل" از دل خود فاصله های کلمات را تعیین میکند و کاری را انجام میدهد، که اشخاص لایعقل را نیز خواهد خندانید. امکانات کامپیوتر را تا جایی که من دریافته ام، فقط دور "دراز ساختن فواصل کلمات" میچرخد و این طور نیست که جهت برابر ساختن رجه دو مصراع یک بیت، به "کششدار نوشتن" حروف کلمات هم بپردازد.

– و یا این که کار "رجه بندی" را خود به کف باکفایت خویش گرفته و طوری که حروف مختلف ایجاب میکنند، به "طویل ساختن" حروف بپردازیم، تا طول مکتوب مصراعها را باهم برابر گرداند. در خط زیبای نستعلیق، مشاقان چاره این نقیصه را کرده و با کششدار ساختن بعض کلمات، طول مصراعها را باهم برابر میساختند. به اقتفاء از نستعلیق نویسان در تایب ماشینی هم امکان طویل سازی حروف را داریم. در صورتی که ازین تکنیک کار بگیریم، مصراع اول در مثال مورد نظر – که کوتاهتر از مصراع دوم است – اشکال ذیل را بخود خواهد گرفت:

چه آسان مینمود اول غم دریا به بوی سود
غلط کردم که این طوفان به صد گوهر نمی ارزد
یا
چه آسان مینمود اول غم دریا به بوی سود
غلط کردم که این طوفان به صد گوهر نمی ارزد
یا
چه آسان مینمود اول غم دریا به بوی سود
غلط کردم که این طوفان به صد گوهر نمی ارزد
یا

چه آسان مینمود اول غم دریا به بوی سود
غلط کردم که این طوفان به صد گوهر نمی آرزد

یا

چه آسان مینمود اول غم دریا به بوی سود
غلط کردم که این طوفان به صد گوهر نمی آرزد

یا

چه آسان مینمود اول غم دریا به بوی سود
غلط کردم که این طوفان به صد گوهر نمی آرزد

و غیرهم!!!

درینجا ذوق و سلیقه تاییست و کمپیوترچی و تنظیم کننده شعر تعیین میکند، که کدام یک از ورشنها را انتخاب نماید.

از نگاه من مگر باید حروفی را باید کششدار ساخت، که امکان "طویلسازی بارونق" را دارند، چون طویل ساختن همه حروف قابل کشش، از رونق سالم و ذوق سلیم نشأت نمیکند. درد دل با شاعران ارجمند پورتال مثلی که از اندازه بیرون گشت و بهتر است که مخاطبان دیگر را نیز زحمت بدهیم.

در عنوان نه تنها شعرای گرامی پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را مخاطب ساخته ام، بلکه شائقان و علاقه مندان شعر و کلام موزون را نیز طرف مخاطب دارم. شائقان شعر و کلام موزون و آهنگین همه به همان ضرب المثل معروف "آب از روی کاسه خورده میشود" مستشعر میباشند. و میدانند که عرضه "سیم و زر" در ظرف "سفالین" گوارا نیست و باصطلاح چنگی بدل نمیزند. و نیز به یقین میدانند که همان طوری که متن و محتوای کلام مهم است، به همان اندازه - و شاید نه کمتر از آن - شکل و هیئتی میباید، که آن متن متین را عرضه میدارد. پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" که به باریکی و اهمیت مسأله بخوبی آگاه بوده است، از بدو تأسیس خود اشعار را در قالب سلیم - سلیم از نگاه املاء انشاء -، منظم و زیبنده عرضه میکند و این چیزی دگر نیست، مگر تلفیق دادن قالب با محتوا و یا شکل با متن مورد عرضه. پورتال بدین عقیده است که همان قسمی که "درستی املائی و انشائی" شایان توجه است، تنظیم اشعار در هیئت شایسته نیز کسب اهمیت مینماید. این کار پورتال مگر در عین حال وظیفه "تعلیم دادن نظم و نسق در کار" را نیز به عهده دارد. اگر باری خوانندگان ارجمند عین اشعار را در سایتهای مختلف اینترنتی و پورتال مورد عنایت خود قرار بدهند، به نکوئی در مییابند که درستی املائی و نظم و نسق پورتال را در هیچ کدام صفحه اینترنتی دیگر نمی یابند؛ چه افغانی باشد و چه ایرانی!!!!!! شاید بر شاعران ارجمند سخت گران افتد، وقتی اثر و حاصل طبع و قریحه و خامه خود را که در پورتال در ظرف سیمین خوانده اند، بعد همان مطلب را در سایت دیگری در طبق سفالین بخوانند. من اگر شاعر میبودم و این تفاوت زمین تا آسمان را مشاهده میکردم، لافل دلم می آرزد و آماج غم میگشت، که وبسایتهای "بی بند و بار"، چرا با رشحه طبع و قلمم با چنان "بی مهری" و "بدذوقی" برخورد مینمایند؟؟؟ و گفتنیهای بسیار دگر ناگفته بماند!!!